

## موضع اتحاد شوروی در قبال جنگ ایران و عراق

رفیق کرومبکو: حتی یکروز جنگ بدتر از پنج سال مذاکره است.

طرق پایان دادن به جنگ را جستجو کرد. ما آنچه را بارها به رهبران ایران گفته ایم باز تکرار میکنیم: حتی یکروز جنگ بدتر از پنج سال مذاکره است.

اتحاد شوروی پیگیرانه طرفدار پایان دادن به جنگ و گذار فوری درگیری به مجرای حل صلح آمیز سیاسی است. ما خاطر نشان کرده ایم که هر چه زودتر طرفین پشت میز مذاکره بنشینند، به همان اندازه به سود ایران و عراق و نیز به سود اوضاع بین المللی در مجموع است. از ادامه جنگ فقط نیروهای امپریالیستی که در آن ذینفع هستند، سود می برند. در این زمینه انگیزه آنها، هم با منافع ایران و هم با منافع عراق بیگانه است.

رفیق کرومبکو صدر شورای عالی اتحاد شوروی ضمن ملاقات چندروز پیش خود با ولایتی وزیر امور خارجه ج.ا.م. موضع دولت اتحاد شوروی را درباره ضرورت پایان دادن به جنگ ایران و عراق، چنین تشریح کرد:

"ارزیابی ما درباره جنگ با نظر شما درباره آن انطباق ندارد. تفاوت، بطور عمده مربوط به این امر است که چه باید کرد؟ عقل سلیم حکم می کند که باید در وهله نخست نه به گذشته بلکه به آینده، یعنی به اینکه چگونه باید به این جنگ پایان داد، توجه کرد. به نفع مردم شما نیست که مساحت گورستانها، با قبرهای کشته شدگان در جنگ، وسعت یابد. به باور ما باید راه حل معقولی و به بیان دیگر

نام مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۱۴۳ دوره هشتم  
سال سوم - شنبه ۱۲/۵/۱۳۶۵

بها ۲۰ ریال

## خون تپیدگان سپیده

"سرخ گل امسال  
رنگ پریده است  
جامه دریده است  
مضطرب خون تپیدگان سپیده است  
فاجعه را با دهان بسته گواه است"  
سپاوش کسرائی

رژیم جنایتکار ج.ا.م ده تن از فرزندان زحمتکشان، گل های سرسبد توده ای، رفقا بهرام افضلی، هوشنگ عطاریان، بیژن کبیری، حسن آذر فر، ابوالفضل بهرامی نژاد، شاهرخ جهانگیری، محمد بهرامی نژاد، فرزاد جهاد، غلامرضا خاضعی و خسرو لطفی را در ۷ اسفند ۶۴ تیرباران کرد. دیگر تیربارانها گرامی باد! بقیه در ص ۲

## در هفتمین سال جنگ

هفتمین سال جنگ، کشور ما را با چنان فاجعه ای روبرو ساخته است که بی آمدهای مخرب آن در کلیه عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی بی چشم می خورد. طبق آمار منتشر شده در مطبوعات خارجی از آغاز جنگ تا پایان سال ۱۹۸۶ میلادی ایران ۶۰۰ هزار و عراق ۴۰۰ هزار کشته داده اند. تعداد زخمی شدگان دوطرف درگیر به ۲ میلیون نفر بالغ شده است. افزون بر این، میلیونها انسان در ایران و عراق خانه و کاشانه خود را از دست داده و آواره شده اند.

کشانده شدن جنگ به شهرهای مهم صنعتی هر دو کشور و ویرانه هایی که بمبارانهای هوایی و موشکی ببار آورده اند، آنچنان گسترش یافته که در شش سال گذشته بی سابقه بوده است. هزاران نفر از شهروندان بی گناه در ایران و عراق قربانی این جنایت آشکار شده اند و می شوند.

تا کنون ده ها موسسه بزرگ صنعتی کشور یا بکلی نابود شده و یا چنان خسارتی دیده اند که برای تامین تولید مجدد در آنها به صدها میلیون دلار سرمایه گذاری نیاز است. برخی از آنها مانند پالایشگاه عظیم نفت آبادان هیچگاه نمی توانند بشکل سابق خود احیا گردند. پتروشیمی پازارگاد، کارخانجات کشتی سازی اروندان، کارخانه قند مایح، کارخانه صابون پارس، تاسیسات بندری و اسکله های بارگیری بنادر جنوب، پالایشگاه ۴ میلیارد دلاری ایران و ژاپن، سکوی نفتی منطقه ساسان، تجهیزات بارگیری نفت در خارک، پالایشگاهها و نیروگاههای حرارتی در تهران و تبریز و اصفهان، کارخانه آلومینیوم سازی در اراک و ... یا بکلی نابود شده اند و یا خسارتهای عظیمی دیده اند. بموجب ارقام رسمی دولتی خسارتهای وارده به صنایع و کشاورزی ایران به ۲۰ میلیارد دلار بالغ شده است.

ادامه جنگ به معنی افزایش مستمر هزینه های نظامی در کل بوده کشور است. اگر در گذشته پنجاه درصد درآمدهای ارزی کشور صرف هزینه های نظامی می شد، امروزه پس از کاهش قیمت بقیه در ص ۲

### زندانیان سیاسی را

### از جنگال دشمنان خونخوار

### نجات دهیم!

در پائیز امسال، رفتار غیر انسانی و خشونت آمیز زندانبانان، زندانیان سیاسی جان بر لب رسیده را وادار به واکنش های گوناگون، از جمله اعتصاب غذا و اعتصاب ملاقات کرد. بعلت اعتراضات گسترده خانواده های زندانیان سیاسی و انعکاس وسیع خبر اعتصاب، رژیم جمهوری اسلامی مجبور به عقب نشینی شد و بظاهر موافقت کرد خواستهای بحق و قانونی زندانیان را بپذیرد تا اعتصاب خاتمه یابد. اما بلافاصله پس از پایان اعتصاب، رژیم، نیروهای خود را برای انتقام کشی بسیج کرد و از آن پس پیوسته خبرهای نگران کننده تری از زندانهای رسد.

این روزها که دامنه جنگ به شهرها کشیده شده، خطرات تازه ای نیز جان زندانیان را تهدید می کند. از جمله روز دوازدهم بهمن، بر اثر بمباران زندان شهر تبریز، تعدادی از زندانیان توده ای، فدائی و دیگر مبارزان جان خود را از دست داده اند. پاسداران زندانبان، که مسئول حفظ جان زندانیان هستند، بمحض شنیدن آژیر خطر، سراسیمه به پناهگاهها گریخته اند و اسیران دربند را زیر بمب ها بحال خود رها کرده اند. بقیه در ص ۲

## رشد تولید کشاورزی

## سرابی بیش نیست

وضع تولیدات صنعتی و کشاورزی درج.ا.م. با بحران عمیقی روبروست. ادامه جنگ و عدم برنامه ریزی دقیق و منطبق با شرایط ویژه کشور، هرج و مرج در دستگاه دولتی، عدم ثبات و انواع عوامل دیگر ناشی از خصلت استبدادی و ضد مکر اتیک رژیم، میهن ما را با چنان مشکلات عظیم اجتماعی و اقتصادی روبرو ساخته که راه برون رفت از آن - با وجود رژیم "ولایت فقیه" - ناممکن است.

بسته شدن کارخانه های صنعتی به علت نبود بودجه و ارز برای تامین مواد خام و قطعات یدکی و غیره و اخراج جمعی کارگران از سوئی و ورشکست

بقیه در ص ۵

### اعتصاب

### دست افزار مبارزه زحمتکشان

بمؤثریم، تبلیغ کنیم، سازمان دهیم!

در ص ۴

### ضرورت

### غنی سازی اطلاعات رهبری حزب

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

## در هفتمین سال

## زندانیان سیاسی و از جنگال

شکوهند بهمین را با ماهیت آن عوضی گرفته بودند و تصور می کردند مردم همان چیزی را می خواهند که خواست روحانیت است، هنگامی که با خواست توده ها درباره ضرورت تداوم انقلاب روبرو شدند، با زیر پا گذاشتن همه اصول انسانی و اخلاقی و فراموش کردن وعده های پیشین، سهمگین ترین نوع ارتجاع را با توسل به وحشیانه ترین شیوه های حکومتی بر خلق رنج دیده ماتمیل کردند.

زمانی آیت الله خمینی می گفت: "همه احزابی که برای مصالح ملت کار می کنند آزاد خواهند بود - (۱۰ آبان ۵۷)؛ در جمهوری اسلامی کمونیست ها نیز در بیان عقاید خود آزادند - (۱۶ آبان ۵۷)؛ دولت اسلامی یک دولت دموکراتیک بمعنای واقعی است... هر کس می تواند اظهار عقیده خودش را بکند... و دولت اسلامی همه منظرها را با منطق جواب خواهد داد - (۱۸ آبان ۵۷)؛ در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی در هر گونه عقیده ای هستند - (۱۹ آبان ۵۷)؛ احزاب و همه مردم آزادند مگر حزبی که مخالف مصالح مملکت و مردم باشد - (۳ بهمن ۵۷)؛ هنگامیکه حکومت اسلامی در ایران ایجاد شود مارکسیست ها آزاد خواهند بود خواسته های خود را بیان کنند - (۲۶ دی ۵۷)؛ بیان، قلم و عقیده برای همگان آزاد می باشد - (۹ اسفند ۵۷)؛ والی آخر... اما سران رژیم پس از تحکیم پایه های حاکمیت خود همه این وعده ها را بدست فراموشی سپردند.

سخن کوتاه! نظام "ولایت فقیه" که دیگری برده بود بمنظور پیشبرد هدفهای خود جز با ایجاد جو ترور و اختناق نمی تواند خود را بر مردم تحمیل کند، خیلی زود دست بکار شد و طی مدت کوتاهی دستاوردهای انقلاب از جمله در زمینه آزادیهای دموکراتیک را مورد یورش قرار داد و برای هموار کردن راه خیانت، همه احزاب و سازمانهای سیاسی، سندیکاهای اتحادیه های کارگری و صنفی و حتی جمعیت های با ایدئولوژی مذهبی ولی غیر معتقد به "ولایت فقیه" را با شعار "مرگ بر ضد" "ولایت فقیه" منحل و سرکوب کرد و رهبران و اعضای آنها را برای "تجدید تربیت" و "گرفتن بهجت" به کمک تازیانه و شکنجه و تعزیر، روانه سیاهچالها ساخت. در عین حال روزنامه ها و مجلات متعلق به سازمانها و احزاب دیگر را تعطیل کرد، کتابهای غیر مذهبی را سوزاند، دهانهای حقگو را بست و با برقرار کردن نظام تقفیش عقاید و خبرچینی بیشرمانه، حتی امکان اندیشیدن آزاد را نیز از مردم گرفت.

اینک چهار سال از هجوم خائنانانه حاکمیت جمهوری اسلامی به حزب توده ایران می گذرد. بهنگام شیخونهای متعدد پاسداران چول و جنایت به اعضای حزب، هزاران توده ای اسیر چنگال دژخیمان شدند. دهها تن از آنان را پس از "حاکمات" مسخره و فرمایشی به جوخه های اعدام سپردند یا به زندانهای درازمدت محکوم کردند. همه شاهد حاکی از آنست که دهها تن دیگر نیز زیر شکنجه های "اسلامی" جان خود را از دست داده اند ولی رژیم جمهوری اسلامی، با وجودیکه یکی از سنگتویان جنایتکارش بنام آیت الله محمدی گیلانی علنا گفته است که اگر متهمی هنگام تعزیر بقیه در ص ۸

در سالهای اخیر، سرنوشت نوجوانان و جوانان در جبهه های جنگ و سرنوشت شایسته ترین و آگاه ترین فرزندان خلق در شکنجه گاههای جمهوری اسلامی همیشه سرچشمه بیشترین نگرانیهای خانواده های ایرانی بوده و هست.

فقر و گرانی، دزدی و فساد، خفقان و فشار، تحقیر و آزار زنان و دختران، انحطاط فرهنگی، بیخانمانی و کمبودهای درمانی و داروئی همه و همه حاصل حکومت خیانتکاران به آماجهای انقلاب در میهن ماست. اما مرگ عزیزان خانواده ها در جبهه های جنگ و در زندانها، بدترین "ارمغان" حکومت ماورا ارتجاعی کنونی است.

هزاران زن و مرد و دختر و پسر ایرانی تنها و تنها بکنه گردن ننهان به تحمیلات قرون وسطائی و ضد انسانی رژیم "ولایت فقیه" و تلاش در راه بهر روزی و بهزیستی کارگران و دهقانان، تاملین آینده بهتر برای نسل بالنده کشور، مبارزه در راه احقاق حقوق انسانی زنان ایرانی و حفظ هویت فرهنگی و ملی یک کشور دارای تمدن درخشان چندین هزار ساله و بالاخره مبارزه برای آزادی اندیشه، آزادی مذهب، آزادی بیان، آزادی قلم و عدالت اجتماعی و اقتصادی اسیر سیاهچالهای هولناک "اسلامی" شده اند و جانشان هر لحظه در معرض خطر است.

روحانیون حاکم که رنگ مذهبی انقلاب

باتلاقیهای گلگون شده از خون کشته ها. قربانیان فقط سه هفته اول جنگ سرب دهها هزار نفر می زند. اما هنوز جنگ و کشتار در جبهه ها و شهرها ادامه دارد.

اکنون دیگر احدی تردید ندارد که این جنگ فقط و فقط به نفع امپریالیسم آمریکاست. هدف واشنگتن تضعیف هر دو طرف درگیر و سپس وابسته ساختن آنها به خود است. ماجرای "ایران گیت" باردیگر صحت این نظر را به اثبات رساند.

کوشش تبلیغاتی سران رژیم برای توجیه سازش با امپریالیسم آمریکا در افکار عمومی تاثیر منفی داشته است. مردم ایران هر روز بیشتر به خصلت ضد خلقی رژیم حاکم پی می برند. مردم می بینند رژیمی که در حرف شعار ضد امپریالیسم آمریکا می داد، در خفا با واشنگتن با وجود افشای ماجرای "ایران گیت" همچنان ادامه دارد. ریگان و دستیارانش روی افرادی چون هاشمی رفسنجانی و احمد خمینی و خامنه ای و اطرافیان آنها حساب می کنند. اما تردیدی نیست که آنها این بار نیز با شکست مفتضحانه روبرو خواهند شد. هیچ نیروئی قادر نخواهد بود مردم میهن ما را از مبارزه در راه آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی بازدارد. حاکمیت "ولایت فقیه" می تواند با تکیه بر ارگانهای سرکوبگر موقتا خشم و نفرت توده های میلیونی زحمتکش را مهار کند، اما در آخرین تحلیل نخواهد توانست از انفجاری که نار و پود رژیم را از هم خواهد پاشید مانعت بعمل آورد. نظام منحط. با استقلال و تمامیت ارضی ما و با رشد جامعه مادر تضاد عمیق قرار دارد. این تضاد شرایط سرنوشتی رژیم را فراهم خواهد آورد. وظیفه ماست که با بسیج توده ها و کوشش در راه تشکیل آنها در تسریع این روند بکوشیم.

نفت از سوئی و تنزل روز افزون ارزش دلار بمثابة پایه محاسبه فروش نفت از سوی دیگر، کل درآمد ارزی ایران به مصارف جنگی می رسد. برای کشوری که صنایع آن کلا وابسته به بازار جهان سرمایه داری است، اختصاص کل درآمد ارزی به هزینه های نظامی، یعنی ورشکست اقتصادی، یعنی میلیتاریزه کردن کلیه شئون اقتصادی کشور. هم اکنون رژیم این سیاست را در پیش گرفته است.

به موجب برخی آمارها، هم اکنون ج.ا. روزانه ۶ میلیون دلار صرف ادامه جنگ می کند. اما طبق محاسبه کارشناسان اقتصادی خارجی هزینه های نظامی هر یک از دو طرف درگیر ماهیانه به یک میلیارد دلار بالغ می شود. اقتصاد بیمار ایران بهیچ وجه نمی تواند این بار سنگین را تحمل کند. تشدید فقر و مسکنت، گرانی روز افزون مایحتاج عمومی و کمبود آن محصول ادامه جنگ است. با ادامه جنگ، روز بروز بر تعداد بیکاران افزوده می شود. هم اکنون بیش از ۵ میلیون نفر بیکار در سختترین شرایط با مرگ تدریجی دست بگریبانند.

تجاوز به حقوق کارگران و دیگر زحمتکشانی یکی دیگر از بی آیدهای مخرب ادامه جنگ است. افزایش ساعات کار، لغای افزایش حداقل دستمزدها بر پایه شاخص زندگی، لغای وام مسکن، زیر پا گذاشتن مقررات ایمنی کار، لغای پاداش بازنشستگی، باز خرید کارگران و اخراج جمعی آنها، امتناع از بیمه بیکاران، جلوگیری از تشکیل سندیکاهای سلب حق اعتصاب و بالاخره سرکوب هر گونه اعتراض زحمتکشان، از جمله این بی آیدهاست.

در حالی که بار سنگین جنگ بر دوش دهها میلیون زحمتکش ایرانی سنگینی می کند، مشتی غارتگر کلان سرمایه دار که زیر چتر حمایت سران مرتجع ج.ا. قرار دارند، صدها میلیارد تومان از طریق احتکار و گرانفروشی و چپاول آشکار ثروت ملی اندوخته اند. انواع موسسات بازرگانی با اصطلاح اسلامی که با شرکت برخی از سردمداران رژیم تشکیل شده اند، دمار از روزگار مردم می آورند. ادامه جنگ در واقع نیز برای این زالوهای اجتماعی "نعمتی" است.

بهیچ وجه تضاد فنی نیست که سران رژیم هر روز بیشتر به تبلیغ درباره ضرورت ادامه جنگ دامن می زنند. خمینی پس از مدتی سکوت بار دیگر لب به سخن گشود و گفت: بکشید و کشته شوید! دیگر سران رژیم نیز ضرورت ادامه جنگ و برانگیزش شاه بیت سخنرانیهای خود در روزهای اخیر کرده اند. بازم سخن از جمله "سرنوشت ساز" میمان می آورند. همه می دانند که تعداد اینگونه عملیات با اصطلاح سرنوشت سازی دو سال اخیر بیش از ۲۰ مورد بوده است که آخرین آنها عملیات "کربلای ۵ و ۶" بود. هر یک از این عملیات برای مردم میهن مافاجعه آمیز بوده است.

خبرنگاران خارجی که از جبهه های جنگ بهنگام حمله های توبتی "کربلای ۵ و ۶" دیدن کرده اند، تصویرهای وحشتناکی ارائه می دهند: دود سیاه، انفجار گلوله های توپ و بمبها و خمپاره ها، کوهی از کشته ها، رودخانه ها و

## خون‌تپیدگان

پیام بخون‌تپیدگان:

\* عزیزم مرا ببخش که نتوانستم آنقدر که دلم می‌خواست به تو توجه کنم. می‌دانی که کار سختی داشتم و آن تلاش در راه رهایی زحمتکشان بوده است و تا به آخر به این راه وفادار بودم و هستم. من اکنون با ۹ نفر دیگر شاد و خندان و آواز خوان بطرف شهادت در راه آزادی می‌روم. تو بدان من خوشبخت هستم. از نبودن من ناراحت نباش. بکوری چشم دشمنان شاد و خوشحال باش... بعد از مرگ من بفرزندانه بگوراه مرا در پیش گیرند. راه خوشبختی انسان‌ها را ... مرگ بر ارتجاع ایران."

(رفیق شهید شاهرخ جهانگیری)

\* "ما باید پیکر خود را هیمة کوره تکامل انسانی در جامعه خود بسازیم و در این کوره بسوزیم تا به پیکر جامعه رنج‌دیده مان گرما ببخشیم. درنبرد دشوار انقلابی در سرزمین ما که امپریالیسم هنوز در آن پایگاه نیرومندی دارد باید از ایثار جان‌دریغ نکنیم."

(رفیق شهید بهرام افضلی)

\* "من جاسوسی و اقدام علیه امنیت کشور و براندازی را قبول نداشته‌ام ولی فعالیت و عضویت در شبکه مخفی را قبول دارم. زیرا اگر کسی هدف براندازی داشته باشد بخاطر این است که به چیزی و مقامی برسد و در جهت تضعیف انقلاب عمل نماید. ولی من از تاریخ ۵ اسفند ۵۷ که در ج.ا. مسئولیت پذیرفتم تا روز دستگیری ام برای حفظ نظام جنگیده‌ام."

(رفیق شهید هوشنگ عطاریان)

\* "من برای همیشه می‌روم ولی می‌خواهم بدانی که من نه جاسوس بودم و نه ..."

(رفیق شهید بیژن کبیری به همسرش)

\* "رفتن من مایه ناسم نیست. چون این مرگ برای من ناگوارتر از این نیست که در بستر بیماری یا رنجوری و عذاب شام‌درگزریم". "قوی دل باشید". "بدون تزلزل خاطر" راه زندگی را در پیش بگیرید. "درود بر حزب توده ایران! مرگ بر امپریالیسم خونخوار آمریکا! زنده باد انقلاب مردم محروم ایران."

(رفیق شهید حسن آذرفر)

\* "بدانید که من خیانت نکرده‌ام و روی آرمانم ایستاده‌ام. این را تاریخ نشان خواهد داد و نقاب از چهره دشمنان خواهد گرفت."

(رفیق شهید ابوالفضل بهرامی نژاد)

\* "این را بدانید که باز اگر زنده میمانم در راه مردم قدم می‌گذارم."

(رفیق شهید فرزاد جهاد)

\* "آدمیان را با خون به هم می‌چسبانند. یک قطره خون که در پای خلق ریخته شود از هزار شعار و فریاد کارا تر و کوبنده تر است."

(رفیق شهید غلامرضا خاضعی)

## مرگ پیروزمند با چشمهای باز



یکی از روزهای بهاری سال ۱۳۵۰ بود. رفیق بهرام افضلی و یکی از دوستان نظامی اش در اسکله پایگاه دریائی پو شهر در حال قدم زدن بودند. هنگام عبور از کنار دونا و فرسوده و از رده خارج شده به نام های "بیر" و "پلنگ" که به اسکله بسته شده بودند، رفیق افضلی گفت:

- توی این ناوها چه سکوت مرگزائی حکمفرماست. باز نشستی چه شکل غم انگیزی به آنها داده است. اینها خاطرات زیادی دارند. نه تنها خاطرات دریانوردی، بلکه یادآور خاطرات سیاسی برجسته ای هستند.

سکوت کوتاهی حکمفرما شد. سپس دوست نظامی اش گفت:

- بله، خاطرات انسان هایی که اعدامشان کردند.

- تو آنها را می‌شناسی؟

- بله، البته نه آنطور که معرفی شان می‌کنند یا می‌خواهند معرفی شان کنند.

رفیق افضلی مکث کوتاهی کرد و با هیجان پرسید:

- راستی اسم این انسان‌ها را چی میشه گذاشت؟

یک واژه با مفهوم مشخص و ماندنی: قهرمان افضلی افزود: مرگ پیروزمند، با چشم های باز. این عنوانی است که در تاریخ مردم ثبت خواهد شد.

بعد از پیروزی انقلاب و در جریان جنگ، روز هفتم آذرماه، به مناسبت شهادت ناخدا همتی و گروهی دیگر از پرسنل نیروی دریایی، روز نیروی دریایی نامگذاری شد. در مراسمی که در مسجد سپهسالار تهران برگزار شد یکی از روحانیون در پایان سخنرانی مذهبی خود شعر "ناوی از موج نمی‌ترسد، او شیفته توفان است" را از آغاز تا پایان خواند، بی آن که بداند این شعر به چه مناسبتی و برای چه شخصیتی سروده شده است.

رفیق افضلی که در مقام فرمانده نیروی دریایی در ردیف جلو نشسته بود به رفیق نظامی اش گفت:

- یادت هست؟

- چی؟

## رخش می‌گرید

رخش می‌گرید

سوارش نیست

در شب زخمی

شیهه گنگی است

ناویان در بندر خاموش می‌چرخند

در هوای مه خروشی نیست

انتظاری هست اما

قلب بهرام است

اینک می‌تهد در گیچی بندر

بندر این قفل بزرگ بسته

این خسته

داسها و سیبهای کال

شاخه‌های لال

زن کنار پرده مسدود

یادهاش

لرزش لبهاش

رعشه انگشتنایش

بچه‌هایش

- چشمهاشان سرخ و خواب‌آلود

زال در تنهائی مغموم کز کرده

رخش دریائی در اندوه سوار کشته می‌گرید

رخش می‌بوید

رخش می‌جوید

سواری را که دیگر نیست؟

روز

همچو فریادی درون بندر مرموز جاری می‌شود باران چربی و چرک و چروک از بند بند جاشوان خسته بالا می‌کشد -

غوغاست در خاموشی بندر

ناوی خاموش با خود حرفها دارد

گفته و ناگفته بس چون و چرا دارد

قلب بهرام است

اینک می‌تهد در عرشه و لنگر

جلال سرفراز

آبان ۶۲

- ۹ سال پیش، جلوی اسکله بوشهر.

- آره، یادمه، مرگ پیروزمند با چشم های باز. ای کاش همه بدانند که مضمون این سروده برای کیست؟

افضلی گفت: مهم این است که قهرمانانی مثل انوشه همیشه زنده‌اند. آنروز که مردم بدانند دیر نیست.

جاوید باد خاطره تابناک شهیدان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح!

## نیاموزیم، تبلیغ کنیم، سازمان دهیم!

### ضرورت غنی سازی اطلاعات رهبری حزب

حقایق، می توان در هر شرایط مشخص، سیاست تشکیلاتی مناسب را در پیش گرفت و نیروهای خود را به هرز نکشاند و همه توان خود را متوجه کانون های اصلی فعالیت روشنگرانه و سازمانگرانه کرد.

در ارتباط با نقش پر اهمیت تهیه و ارسال اخبار، حلقه بعدی هم که به هدف استراتژیک و هم به هدف نهایی حزب طبقه کارگر یاری می رساند، همانا افشاگری وسیع سیاسی است. برخلاف افشاگری اقتصادی که اعلان جنگ به کارفرمایان است، افشاگری سیاسی در واقع اعلان جنگ به دولت است. از این طریق می توان سطح آگاهی و سازمانیابی کارگران را ارتقاء داد. هرچه دست رهبری از نظر اخبار و "نمونه های مشخص" پرتز باشد، به همان نسبت رهبری می تواند افشاگری پر دامنه تری را سازمان دهد. افشاگری پر دامنه یعنی تدارک فشار برانگیزنده معنوی در بین کارگران برای کام گذاردن در صحنه فعال مبارزه. سمت و سوی افشاگری ژرف سیاسی به گفته لنین در "توضیح ستمگری سیاسی بر کارگران خلاصه نمی شود، بلکه باید درباره هر یک از مظاهر مشخص این ستمگری به تبلیغ پرداخت" و "برای آنکه بتوان درباره مظاهر مشخص ستمگری به تبلیغ پرداخت باید این مظاهر را فاش ساخت" (چه باید کرد؟ ص ۴۴).

آری باید با تبلیغ "مظاهر مشخص ستمگری"، کارگران و زحمتکشان را با تمام جوانب زندگی سیاسی آشنا ساخت، آنهم بصورت افشای زنده اعمالی که هر روز از دولت و طبقات فرمانروا در کلیه زمینه های زندگی سر می زند. در واقع در این چارچوب می توان به نقش ارسال هر خبر حتی کوچک، از "مظاهر مشخص ستمگری" پی برد. اگر اخبار مربوط به "مظاهر مشخص ستمگری" جمع آوری و خوب پرورده و تبلیغ شود، می تواند بر ذهن زحمتکشان تاثیر بسیار مثبت برجای گذارد. در زمینه گردآوری و ارسال خبر و گزارش برای دستگاه رهبری حزب گزارشگر حزبی باید بداند که وظیفه بس سنگینی برعهده دارد. او دقیقاً باید با درک ارزش هر خبر بطور پیگیر آن مجموعه رویدادهایی را که در محیط کار و زندگی اش می گذرد و در نشریات مجاز با زتاب پیدا نمی کند به اطلاع حزب رساند. تا رهبری حزب بگفته لنین "با توجه به دورنمای مطلوب برای مجموعه فعالیت" از آنها حداکثر استفاده را برای افشای رژیم و پیشبرد سیاست خود بعمل آورد.

در این زمینه، نگرش ژرف لنین می تواند راهنما و رهنمود بزرگی برای اعضا و هواداران حزب طبقه کارگر باشد. لنین مثلاً درباره ضرورت تشریح امور شهری تاکید داشت که اولاً برای دادن دورنمای روشن به مردم تنها "استدلال" پیرامون مسائل گوناگون کافی نیست، بلکه باید "انبوهی از نمونه های مشخص" ارائه داشت.

و "ثانیاً برای آنکه بتوان مطالب مربوط به امور شهری را واقعاً خوب و جالب نوشت، باید از این امور خوب و آنهم نه فقط از روی کتاب مطلع بود... برای نگارش مطالب مربوط به امور شهر و دولت در یک روزنامه (ونه یک جزوه عامه فهم)، باید مدارک تازه و متنوعی که شخص کاردان جمع آوری و تنظیم کرده باشد، در اختیار داشت... برای این کار (از جمله) سپاهی از گزارشگران سوسیال دمکرات لازم است که با همه جا ارتباط برقرار سازند، بتوانند از هرگونه "اسرار دولتی" (که کارمند روسی اینقدر بدان می بالد و اینقدر آسان آنرا لوم می دهد) باخبر شوند و به تمام "سوراخ و سنبه ها" راه یابند، برای این کار سپاه افرادی لازم است که "برحسب شغل خود موظف باشند همه جا حاضر و از همه چیز آگاه باشند" (چه باید کرد؟ ص ۱۰۲).

این سطور بعد از گذشت بیش از ۸۵ سال از تاریخ نگارش آن همچنان بگونه ای شگرف طراوت و تازگی و قابلیت کاربست خود را حفظ کرده اند. در کارگردآوری و ارسال خبر وظیفه بسیار سنگینی در برابر "سپاه گزارشگران" حزب ما که باید به "همه سوراخ و سنبه ها" سر بکشند، قرار دارد، زیرا آنچه که در رسانه های گروهی تحت سانسور رژیم با زتاب می یابد، نمی تواند بیانگر واقعیت های جاری جامعه باشد.

گزارشگران حزبی در داخل کشور، در ارسال خبر و گزارش برای غنی ساختن اطلاعات رهبری حزب باید به نکات زیر توجه جدی مبذول دارند:

\* هر مبارز توده ای باید خود را خبرنگار دائمی ارگان های تبلیغاتی حزب

از مجموعه خبرها، گزارش ها و نامه هایی که به دفتر نامه مردم می رسد، چنین برمی آید که هنوز ضرورت تهیه خبر از رویدادهای جاری جامعه برای بخشی از اعضا و هواداران حزب بخوبی درک نشده است، از این رو ضمن بیان ضرورت تهیه و ارسال خبر برای رهبری حزب به تذکر نکاتی چند پیرامون این امر می پردازیم.

یکی از وظایف پر اهمیتی که در برابر تک تک اعضا، هواداران و هسته های حزبی در داخل و رفقای حزبی متشکل در خارج از کشور قرار دارد، یاری رساندن به سازمان مرکزی حزب در عرصه های گوناگون از جمله و بویژه غنی ساختن هرچه بیشتر گنجینه اطلاعات رهبری حزب است.

یکی از پیش شرط های تعیین درست هدف های استراتژیک و طرح صحیح و بموقع شعارهای تاکتیکی برای هر حزب سیاسی بویژه حزب طبقه کارگر، آگاه شدن از مسائلی است که در سطح جامعه و جنبش می گذرد. بدون آگاهی ژرف از مجموعه روندهای سیاسی، تصمیم گیری های اقتصادی، وضع زندگی زحمتکشان و مسائل و دشواری هایشان، درگیری های افراد و جناح ها و پاندهای جداگانه در درون حاکمیت آنهم در سطوح گوناگون، بدون آگاهی از زو و بندهای آشکار و پنهان محافل گوناگون در جامعه و در درون حاکمیت، بدون شناخت پدیده ها و گرایش های منفی یا مثبت در آگاهی و تشکل نیروهای اجتماعی و بدون دستیابی هرچه گسترده تر به پیکره ها، آمارها و تحلیل های علنی و مخفی رژیم پیرامون مسائل گوناگون و در یک کلام بدون دریافت خبرها و گزارش های زنده و مستند که بقول لنین "سپاه گزارشگران" عضو یا هوادار حزب باید تهیه و در اختیار آن بگذارند، نمی توان از اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی و دگرگونی های بخرنج سیاسی ارزیابی و تحلیل دقیق بعمل آورد. از اینروست که غنی ساختن اطلاعات دستگاه رهبری حزب از طریق ارسال خبرها و گزارش های خبری و تحلیلی اهمیت بس فراوانی کسب می کند.

در شرایط کنونی شعار استراتژیک ماسرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بمنظور استقرار یک حکومت انقلابی دمکراتیک است. بدیهی است که برای دستیابی به این آماج ها باید تلاش ورزید تا از یکسو با اتخاذ تاکتیک های گوناگون از طریق افشاگری های سیاسی پایگاه اجتماعی رژیم را هرچه تنگتر سازیم و از سوی دیگر رده های جبهه خلق را هرچه بیشتر فشرده تر و متحدتر کنیم و راه را برای پذیرش برنامه و رهبری پیگیر در جنبش انقلابی هموارتر سازیم. سنگ بنای پیشبرد موثر این سیاست را غنی ساختن آگاهی مرکز حزب تشکیل می دهد.

براین بنیان برخورد به عملکرد مجموعه حاکمیت و عریان ساختن ماهیت ارتجاعی آن، حداکثر بهره برداری از اختلاف ها و تضادهای درون و پیرامون حاکمیت و نشان دادن عواملی که جناح ها و افراد را در هرم حکومتی بیکدیگر نزدیک می کند و پیوند می دهد و عواملی که آنها را از یکدیگر دور می سازد و سرانجام منزوی کردن کامل رژیم، باید براساس حقایق و نمونه های گویا از طریق افشای تبهکاری ها و پیداکاری های هر روزه رژیم و مسئولان آن صورت گیرد. باز اینجاست که وظیفه گزارشگران و دوستان اران حزب در ارسال خبرها و گزارش ها برجسته می شود.

نیازی به این تذکر نیست که هرچه حقایق پیرامون رویدادهای اجتماعی انبوه تر و "ذست اول تر" باشد، هرچه اطلاعات پیرامون جوانب گوناگون آنها بیشتر باشد و هرچه این اطلاعات و اخبار مربوط به رخدادها سریعتر به مرکز حزب برسد، به همان نسبت واکنش حزب پیرامون مسائل سریعتر و تحلیل ما دقیق تر، همه جانبه تر، مشخص تر و مستندتر خواهد بود و حزب تاکتیک های سنجیده تری اتخاذ خواهد کرد. همچنین با توجه به اینکه میان خط مشی سیاسی و سازمانی پیوند ناگسستنی و تنگاتنگ وجود دارد، طبیعی است یا شالوده ریزی مشی سیاسی دقیق مبتنی بر انبوه

## رشد تولید کشاورزی سرابی بیش نیست

کشاورزی و هجوم کشاورزان از هستی ساقط شده به شهرهای بزرگ برای تامین گذران خود و خانواده چنان گسترش یافته که حتی مبلغان "نظام اسلامی" نیز قادر به سرپوش گذاردن روی آنها نیستند.

سردمداران رژیم برای توجیه این وضع فاجعه آمیز مانند همیشه به گذشته، به دوران رژیم سابق اشاره می کنند و از اقتصاد وابسته به ارث رسیده سخن می گویند و بدینسان می کوشند خیانت آشکار خود به مصالح ملی را پرده پوشی کنند. اگر اینگونه "استدلالها" در سالهای نخست پس از انقلاب تا اندازه ای پایه منطقی داشت، امروز پس از گذشت هشت سال از انقلاب نمی تواند خریدار داشته باشد. زیرا با در نظر گرفتن درآمد عظیم نفت در این مدت، ممکن بود تا طبق یک برنامه معقول، تغییرات کم و بیش بنیادی در ساختار اقتصادی کشور بوجود آورد. اما سران رژیم برای استفاده از امکانات بالقوه کشور همراه با اصلاحات بنیادی در کلیه عرصه های اقتصادی، عملاً در جای پای سیاست رژیم گذشته گذاردند و واردات کالاهای مصرفی صنعتی و نیز محصولات کشاورزی از طریق فروش نفت خام جایگزین رشد تولید داخلی شد. این سیاست ایران برپا داده که یکبار در دوران رژیم پیشین از محک آزمایش گذشته و بی آمده های مخرب آن بر کسی پوشیده نبود، تا زمان کاهش قیمت نفت و درآمد ارزی حاصل از آن ادامه داشت.

اینک که رژیم با ورشکست مالی روبرو است، دولت از "برنامه نوین اقتصادی" سخن به میان می آورد که گویا همه بیماریهای مزمن اقتصادی را علاج خواهد کرد. "برنامه نوین اقتصادی" که اینهمه درباره اش تبلیغ می کنند چیست؟ به اصطلاح اولویت کشاورزی بعد از مسئله جنگ، زالی وزیر کشاورزی رژیم در گفتگوبا "اطلاعات" در این باره چنین توضیح می دهد: "تامین کلیه نیازهای جنگ تحمیلی با استفاده از حداکثر امکانات داخلی اولین هدف است، دومین قسمت از اهداف تامین نیازهای کشاورزی و منابع طبیعی جهت استفاده از حداکثر ظرفیت های بالقوه و بالفعل کشور است."

صرف نظر از اینکه این دو هدف در تضاد آشکار قرار دارند، اصول رشد کشاورزی بدون یک برنامه جامع عمرانی غیر ممکن است. چگونه می توان مثلا، رشد کشاورزی را جدا از رشد صنعتی تامین کرد؟ چگونه می توان بدون یک اصلاحات ارضی بنیادی به سود دهقانان کم زمین و بی زمین، میلیونها روستائی را به کار خلاق جلب کرد؟ چگونه می توان بدون تجهیز تکنیکی کشاورزی، تولیدات کشاورزی را در کشوری که رشد سالانه جمعیت آن به ۲/۵ درصد می رسد و یکی از بزرگترین رقم ها در جهان را نشان می دهد، بالا برد؟

سران رژیم به هیچیک از این سئوالها پاسخ نمی دهند. خود زالی اعتراف می کند که "تابحال ما در بخشهای اقتصادی تابع یک برنامه منسجم - که همه بخشها را به هم مربوط کند - نبوده ایم". این یک حقیقت است. برنامه ۵ ساله دولت ساهلاست در مجلس شورای اسلامی مدفون شده است. در این مدت همه وزارتخانه ها، بدون داشتن برنامه مشخص، بطور روزمره به حل و فصل امور پرداخته اند و هر بخشی سعی کرده تا مشکلات روزانه خود را جدا از دیگر بخشها فیصله دهد. "برنامه نوین اقتصادی" که در آن فقط اولویت بخش کشاورزی، آنهم بعد از جنگ، در نظر گرفته شده است، هیچگونه تغییری در این سیاست نخواهد داد. ادامه جنگ و صرف هر چه بیشتر بودجه کشور برای تامین هزینه های کمر شکن آن، دگرگونی در ساختار اقتصادی و از جمله اقتصاد کشاورزی را تحت الشعاع قرار خواهد داد.

هم اکنون رژیم، میلیتاریزه کردن شئون اقتصادی را سرلوحه سیاست خود قرار داده است. همه چیز در خدمت جنگ! تحقق این شعار، یعنی صرف هر چه بیشتر درآمد ملی به امور غیر تولیدی، غارت آشکار بیت المال، ورشکست صنعتی و کشاورزی، تشدید وابستگی و گسترش روزافزون فقر و بیکاری و بی خانمانی. ادامه جنگ، یعنی ویرانی موسسات صنعتی و کشاورزی که بازسازی آنها مستلزم صرف هزینه های سنگینی است.

رشد کشاورزی متناسب با رشد سریع جمعیت کشور و افزایش مصرف، در درجه اول با اصلاحات ارضی بنیادی، ایجاد صنایع تولید ماشین آلات

کشاورزی، تولید کود و مواد شیمیائی مبارزه با آفات کشاورزی، بهبود بذر و بهره برداری از تکنیک پیشرفته آبیاری، دامداری مدرن، ایجاد زیربنای کشاورزی و غیره ارتباط مستقیم دارد.

چندی پیش رفسنجانی در ملاقاتی با "کشاورزان و مروجین نمونه" درباره مالکیت زمین گفت: "در گذشته گردن کلفت ها، درباریها، خوانین و شاهزاده ها زمین ها را به ثبوت می دادند... و کشاورزان هم کمی کار می کردند". آیا بعد از انقلاب تغییری در این وضع بعمل آمده است؟ امروز نیز مانند گذشته خانها و بزرگ مالکان برچان و مال روستائیان حاکم هستند. زالی ادعا می کند: رژیم "امنیت" را به کار کشاورزی برگردانده، یعنی "دیگر آن کسی که روی زمین کار می کند فرضاً اگر ۱۰۰ یا ۲۰۰ هکتار هم زمین دارد با اطمینان کار می کند".

آیا مالکان ۱۰۰ یا ۲۰۰ هکتار زمین همان زمینداران بزرگ نیستند که میلیونها دهقان را از هستی ساقط کرده اند؟ صاحبان ۲۰۰ هکتار زمین مانند گذشته در شهرها نشسته اند و این دهقانان مزدور هستند که باید روی این زمین ها کار بکنند. به بیان دیگر اگر در گذشته زمینداران بزرگ تحت حمایت رژیم شاه دهقانان را استثمار می کردند، امروز سران ج.ا. این وظیفه را بعهده گرفته اند. نتیجه این سیاست در گذشته تبدیل ایران به بازار فروش محصولات کشاورزی تولید شده در کشورهای سرمایه داری بود. ادامه این سیاست تحت هر پوششی، از جمله پوشش اسلامی، جز همان نتیجه شوم پیامدی نخواهد داشت.

کشاورزان ایرانی علیه این سیاست ضددهقانی مبارزه می کنند. نه تشدید ترور و اختناق در روستاها و نه "برنامه نوین اقتصادی" مانع این مبارزه نخواهد شد. زمین از آن کسی است که روی آن کار می کند. دهقانان ایران طی یک نبرد طولانی به حقانیت این اصل پی برده اند. از هم اکنون می توان گفت که سیاست نوین کشاورزی رژیم که دفاع از منافع غارتگرانه بزرگ مالکان هدف اصلی آن است، تضاد آشکار با منافع میلیونها دهقان ایرانی دارد و با شکست روبرو خواهد شد.



بدیکر سخن در تهیه خبر وجوه زیر همواره باید مورد نظر گزارشگر باشد: کی؟ کجا؟ چگونه؟ چرا؟

\* ارسال خبرهایی که روشنگر جنبه یا جنبه هایی از رویدادهای اجتماعی سیاسی کشور هستند، حتی شایعات و طنزها و لطیفه های سیاسی مردم، که هر یک از آنها بازتاب دریافت و ارتقاء سطح آگاهی سیاسی توده ها ست، ضرورت دارد.

\* خبر برخی رویدادهای مهم مثل اعتصاب های کارگری یا مسائل مربوط به زندانیان سیاسی ویا تظاهرات ضد جنگ باید در اسرع وقت با رعایت اصول پنهانکاری و امنیت به اطلاع رفقای توده ای آشنا در خارج از کشور برسد و آنها نیز به نوبه خود خبر را به مرکز حزب برسانند تا رهبری حزب بتواند پیدرتنگ نسبت به اینگونه رویدادها واکنش نشان دهد.

\* برای ارسال خبرها اگر آدرس ویژه ای در اختیار ندارید، می توانید آنها را از طریق دوستان و خویشان بدان مطمئن خود که راهی خارج از کشور هستند، به آدرس "نامه مردم" ارسال دارید.

\*\*\*

پیداند و خود را یگانه گزارشگر به مرکز حزب از رویدادهای محیط کار و زندگی خود تصور کند.

\* خبرهایی از اعتراض ها و اعتصاب های کارگری، از جنبش صلح خواهانه مردم، اعتراض ها و نمایش های ضد جنگ، از مبارزه و رویارویی دهقانان با زمینداران بزرگ و نهادهای سرکوبگر رژیم، از دستگیری ها، از زندان و زندانیان و شکنجه، از اقدام های جمعی و هماهنگ خانواده های زندانیان سیاسی برای بهبود شرایط زیستی زندانیان یا آزادی عزیزان دربند خود، از وضع کارگران و زحمتکشان در محیط های کار و زندگی و از فعالیت دیگر گروه ها و سازمان های مبارز برای کار مرکز حزب دارای اهمیت است.

\* ارسال نظرات و نشریات دیگر گروه های و سازمان ها مخالف و ضد رژیم که تنها در داخل کشور پخش می شود.

\* گزارشگران حزبی باید تلاش ورزند تا خبرهای ارسالی موثق، مشخص و دقیق باشد و تا سرحد امکان جنبه های گوناگون موضوع یا رخداد معین مانند تاریخ و محل وقوع، پیش زمینه ها و پیامدهای آن شکافته شود.



### رفیق کیخسرو هخامنشی درگذشت

با خبر شدیم که رفیق کیخسرو هخامنشی ("پیروز")، استاد فلسفه و ادبیات و یکی از کادربلای قدیمی حزب توده ایران در سن ۶۲ سالگی در مهاجرت چشم از جهان فرو بست. رفیق هخامنشی با پیوستن به صفوف حزب توده ایران در سال ۱۳۳۴، تمام توش و توان خویش را در راه خدمت به آرمان های والای کارگران و زحمتکشان بکار گرفت. از زندگینامه پرافتخار رفیق "پیروز" یک سال و نیم زندان و شکنجه وحشیانه (۲۹ - ۱۳۲۸) و پایداری قهرمانانه جای برجسته ای را اشغال می کند. وی پس از آنکه با تنی بشدت دردمند و بیمار از زندان آزاد گردید، به دستور رهبری حزب برای معالجه راهی خارج از کشور شد.

رفیق هخامنشی نمونه شایسته ای از وفاداران به آرمان های حزب بود. خدمات علمی رفیق در زمینه فلسفه و ادبیات همواره در تاریخ فرهنگ و ادبیات ایران جایگاه شایسته خود را خواهد داشت. یادش را گرامی می داریم.

مقاومت سرسختانه خود در مقابل فشار کارفرمایان ثابت کردند که در این لحظات سخت هنوز هم مردمانی هستند که می توانند منافع مشترک ما را، به مثابه منافع طبقه کارگر، زنده نگاهدارند، که کارفرمایان محترم ما هنوز موفق نشده اند ما را برای همیشه تبدیل به بردگان بیچاره جیبهای بی انتهای خودشان بکنند. پس رفقا بیایید با سرسختی و عزم راسخ به پا خیزیم و مبارزه را تا به آخر برسانیم، و فراموش نکنیم که فقط از طریق کوشش مشترک و یکپارچه مان است که می توانیم شرایط خود را به کرسی بنشانیم.

در عرصه یکپارگی و اعتصاب همچنان که لنبن در مقاله "درباره اعتصاب" (بچاپ رسیده در "نامه مردم" شماره ۱۲۶) به روشنی نشان داده است، کارگران به ماهیت موقعیت طبقاتی خود در جامعه و خصلت طبقاتی هیات حاکمه و نظام اجتماعی فرمانروایی خواهند برد و ضرورت بالابردن آگاهی سیاسی و طبقاتی خود، ضرورت مبارزه سازمان یافته تحت رهبری حزب طبقه کارگر در راه خواسته های صنفی و سیاسی و نیز در راه اهداف جنبش انقلابی را بطور کلی هر چه بیشتر درک خواهند کرد. البته جنبش کارگری ایران گامهای معینی در این راستا برداشته، ولی تارسیدن به پیروزی نهائی هنوز راه درازی را باید پیمایید.

## اعتصاب دست افزار مبارزه زحمتکشان

در رشد جنبش انقلابی پرولتاریا ایفا کند و یا در مرحله معینی از مبارزه انقلابی خلقها ضربات شکننده ای بر بیکر نظامهای ارتجاعی و استبدادی حاکم وارد سازد و زمینه یک دگرگونی بنیادی؛ یک انقلاب، را فراهم سازد. اعتصاب نفترکاران در جریان پیروزی انقلاب بهمین گواهی بر این مدعاست.

اعتصابها، هر چند کوچک و هر چند با محتوا و خواسته های صنفی باشند، باز هم محملهای ارتقا سطح آگاهی و سازمانیابی زحمتکشان را بوجود می آورند. در عمان حال، زحمتکشان در عمل - از طریق حتی اعتصابهای پراکنده - بی می برند که بطور کلی مبارزه صنفی و اقتصادی بخاطر خصلت آن دارای برد محدودی است و نمی تواند پاسخگوی خواستها و انتظارات آنها باشد. آنها بی می برند که اگر مبارزه مشترک همه کارگران علیه همه سرمایه داران و رژیم و پلیس پشتیبان آنها ارتقا نیابد و خصلت سیاسی پیدا نکند، دشمنان طبقاتی آنها اعتصاب را با این با آن عقب نشینی اقتصادی و با به این یا آن شیوه سرکوب فرو می نشانند. در نتیجه کارگران همچنان در محرومیت باقی خواهند ماند و در بهترین حالت دامنه استثمار تا حد معینی محدود می گردد.

بر این بنیان، با توجه به گسترش جنبش اعتراضی و اعتصابی کارگران و زحمتکشان، وظیفه پس سنگینی در برابر مبارزان انقلابی، بویژه هسته های حزبی و فعالان صنفی توده ای قرار می گیرد. آنها باید فعالیت در محیطهای کارگری، بویژه در مجتمع های بزرگ صنعتی، یعنی مراکز اصلی تجمع پرولتاریای ایران را، در کانون توجه قرار دهند و با درک ژرف از ماهیت و برد اعتصابهای صنفی و سیاسی و در آمیزی مبارزه علنی و مخفی جنبش اعتراضی و اعتصابی کارگران را سازمان دهند و تلاش ورزند که زحمتکشان به ضرورت مبارزه آگاهانه علیه سرچشمه همه گونه ظلم و ستم طبقاتی، بی بپرند. تازمانی که توده های مردم با گوشت و پوست خود به ضرورت مبارزه سیاسی متحد علیه رژیم و نظام سرمایه داری بی نبرده اند، اساساً انتظار هر گونه دگرگونی بنیادی در زندگی رنجبران، جز خشت خام بر آب زدن نیست. باید نه تنها مبارزان انقلابی بلکه توده های هر چه وسیع تری از مردم با تمام وجود به درستی این شعار لنبن بی بپرند: "با سرسختی و عزم راسخ مبارزه را تا به آخر برسانیم".

پیروان سوسیالیسم علمی هیچگاه نباید آنچه که لنبن در مقدمه اعلامیه ای که به مناسبت اعتصاب کارگران نساجی در روسیه نوشت را از یاد بپرند:

"۶ و ۷ نوامبر باید برای همه ما روزهای فراموش نشدنی باشد... کارگران نساجی با

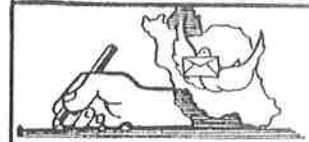
جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان میهنمان بخاطر تحقق خواسته های صنفی خود بگونه ای فزاینده در سطح کشور گسترش می یابد. گسترش جنبش اعتراضی، خود طلبیده دار مرحله ثوبنی از بیکار عمومی خلق و بویژه طبقه کارگر ایران است.

مقاومت کارگران و زحمتکشان در کارخانه ها و مؤسسات تولیدی در برابر خواسته های بهره کشانه مدیران و کارفرمایان و نیروهای سرکوبگر رژیم مدافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، مظهری از عزم استوار و پولادین طبقه کارگر یکپارچوی ایران است. اعتصابهای پر شمار سالهای اخیر، از جمله اعتصابهای کارگران شرکت ساسان (کائادارای) و دخانیات و ذوب آهن، هر یک برای کارگران و زحمتکشان میهن ما مکتبی بودند آموزنده. هر یک از اعتصابها - موفق یا ناموفق - درسهای بسیاری به کارگران آموختند. در جریان این اعتصابها، شمار هر چه بیشتری از کارگران که خواستار دستمزد، کاهش ساعات کار، تأمین امنیت شغلی، تعیین حداقل دستمزد مناسب، مرخصی با حقوق، حق پانزدهمین، حق برپائی تشکلهای صنفی، اجرای طبقه بندی مشاغل و غیره بودند، آموختند که سرمداران مرتجع جمهوری اسلامی، از جمله خمینی - که دیروز عرق کارگران را همانند خون شهیدان مقدس و مطهر می دانست و حیات جامعه را مرون کار و کارگر معرفی می کرد - به منافع آنها خیانت کرده اند. آنها بی بپرند که وقتی کارگران "مستضعف" می خواهند - از جمله با یکپارچگی هر چه اعتصاب - حق مسلم خود را از حلقوم کارخانه داران و چاپاولگران "مستکبر" بپرون بکشند، رژیم با گسیل تفنگچیان و مسلسل بدستان خود، از چوب و چماق گلوله و کند و زنجیر و زندان استفاده می کند تا بپرحاشه صدای هر حق کارگرانی را که روزی خمینی در ستایش آنها می گفت که پیغمبر پر دستانشان بوسه زده است، خاموش سازند. سخنان خشمگین و گستاخانه خویشیها، دادستان کل کشور، در رویارویی با جنبش اعتصابی، پیده از سیاست رژیم بر می دارد:

"اعتصاب، زبان سخن گفتن با مسئولین جمهوری اسلامی نیست و با کسانی که بخواهند از چماق اعتصاب برای طرح مسائل خود استفاده کنند، برخورد جدی خواهد شد" (اطلاعات، ۶۵/۴/۲).

بدینسان طبیعی است که هر چه جنبش کارگری بیشتر رشد کند، ماهیت رژیم و سرمداران آن برای شمار بیشتری از کارگران روشنتر می شود و شمار بیشتری از آنها کام به عرصه مبارزه بیکار و آگاهانه علیه رژیم و نظام سرمایه داری می گذارند. جنبش اعتصابی به عنوان یکی از اشکال پیشبرد مبارزه طبقاتی، می تواند نقش چشمگیری

طبقه کارگر متحد همه چیز، طبقه کارگر متفرق هیچ چیز!

از میهن  
در بند

## به مامی نویسند

## بازگشت به "خدمت"

کاظم زادگان، عضو فعال ساواک، در خدمت "وزارت اطلاعات" ج.ا. قرار گرفته است. وی پیش از انقلاب مسئول ساواک در امور دانشجویی مربوط به دانشجویان ایرانی در هندوستان و پاکستان و افغانستان بود که در بدو پیروزی انقلاب از کشور خارج شد. اما از مدتها پیش وی به تهران بازگشته و بویژه در رشته فعالیت ضد کمونیستی وزارت اطلاعات نقش فعال دارد.

## استعفای ۳۰ نفر از سپاهیان

قریب ۲۰ نفر از سپاهیان در پایگاه "شرع پسند" کرج بعزت نزدیک شدن رژیم به آمریکا و قانع نشدن درباره دستگیری مهدی هاشمی و همراهانش از سپاه کناره گیری کرده اند. بدنبال استعفاء، گروهی از آنان تحت بازجویی "حفاظت و اطلاعات" سپاه قرار گرفته اند.

## در امارات متحده عربی

بدرخواست ج.ا. در امارات متحده عربی به ایرانیان کمتر از سی سال ویزای ورود داده نمی شود. این اقدام برای پیشگیری از فرار جوانان به خارج از کشور است.

از طرف سرپرست هلال احمر ج.ا. در امارات متحده عربی در (دوبی) بخشنامه شده است که کلیه کارکنان مشمول ایرانی باید جهت اعزام به جبهه به کشور بازگردند.

از اولیا دانش آموزان در دوبی برای سیل زدگان طلب کمک شد. رویهم رفته ۱۷۰۰۰ درهم و دو پتو کمک شد. ظاهراً پولها برای سیل زدگان فرستاده شد، اما پتوها برای استفاده اولیا مدرسه باقی ماند.

در مدرسه ابتدائی در دوبی، تعداد قابل توجهی از دانش آموزان بدلیل "ضعف سواد" به کلاس پائین تر انتقال یافتند. مسئولان مدرسه برای جبران ضعف خود دست به ابتکار زدند اما اعتراض اولیا دانش آموزان موجب شد که حرفشان را پس بگیرند.

در نمایشگاه "اکسپو" در شارجه، ایران شرکت داشت. از جمله کالاهائی که در محل نمایشگاه دیده می شد، لباسهای زیر زنانه و خوابار بود رژیم در داخل کشور فروشندهگان لباسهای زیر زنانه را تحت فشار شدید قرار می دهد و قیمت خوابار آن هم بصورت قاچاق - سر به فلک می زند، اما در خارج از کشور امثال این نوع اجناس را به نمایش می گذارند.

## چند خبر کوتاه از تهران

- در تهران، روزانه حداقل ۶ ساعت برق می رود.

- قیمت اجناس خوراکی و مصرفی از قبیل پنیر، کره، دستمال کاغذی، نوار بهداشتی، شامپو، برنج، روغن نباتی و غیره دائماً بالایی رود. - نرخ دلار در بازار آزاد به ۹۲ تومان رسیده است.

وضع بد ایرانی ها  
در زندان های پاکستان

در زندان پاکستان، وضع ایرانیها بسیار وخیم است. زندان بسیار کثیف و امکانات بهداشتی و غذایی بد است. مأموران دولتی پاکستان از ایرانیان دستگیر شده رشوه طلب می کنند و تهدیدشان می کنند که در غیر اینصورت شما را به ایران برمی گردانیم.

## خبرهایی از جنوب کشور

- پیرو خبر قبلی، فدائی بخشدار بندر چارک با همکاری دو نفر بنامهای رحمانی و محمد فرامرز، زیر پوشش آوردن سوغات از شیخ نشینهای خلیج فارس، که از جانب دولت به مقدار معین آزاد اعلام شده است در کار قاچاق دست دارد. بکوش وی شناسنامه های مردم جمع می شود و اجناس مورد نظر وارد می شود. بخش مهمی از سوغاتی ها در بازار سیاه به قیمت گزاف فروخته می شود و پولش به جیب بخشدار و هم دستايش می رود.

- در بندر چارک، در بیشتر ارگانها و ادارات دولتی قبضه های کمک به جبهه در اختیار ارباب رجوع قرار می گیرد و انجام کار آنها اغلب مشروط به دست کرمان می شود. اما زحمتکاران چارک از کمک به جبهه سرباز می زنند.

- آموزش و پرورش بخش سیریک از اولیا دانش آموزان خواست که برای تعبیر مدرسه راهنمایی، برای هر دانش آموز ۲۰۰ تومان بپردازند. اولیا این خواست را نپذیرفتند و مخالفتشان را علناً بیان داشتند.

- در جریان کشف یک شبکه جعل برگ معافیت در بندر عباس، شخصی بنام یوسف عسکری که در بند و هست با عوامل رژیم توانسته است که در طول چند سال دهها میلیون تومان به جیب بزند، موفق شد که با کمک دوستان خود به دوبی فرار کند تا وقتی که آنها از آسیاب بیفتند و خبرش کنند که برگردد.

- در بندر عباس از کسانی که قادر به رفتن به جبهه نیستند می خواهند که یکی از نزدیکانشان را بجای خود معرفی کنند. موج سربازگیری در شهر ادامه دارد. جوانان با مشاهده مأموران، خود را پنهان می کنند. موارد متعددی دیده شده که پس از فرار جوانان بسمت آنان تیراندازی می شود.

- رئیس صندوق قرض الحسنه اصفهان در کار قاچاق فرشهای گران قیمت به خارج از کشور است. وی مرتباً به بندر عباس می رود و با استفاده از نفوذ خود قالی ها را از گمرک "رد" می کند.

## گفته ها و نوشته ها

## امانت داران نظام شاهنشاهی

بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین: " ما مملکتی هستیم که هنوز نیازهای ارزی زیادی داریم و تولید ناخالص ملی مامم بدون وجود ارز کاهش شدید پیدا خواهد کرد. چون ما از گذشته اقتصاد وابسته ای داشته ایم و این امانت را حفظ کرده ایم. دامداری هم در این کشور وابسته است چون تمام خوراک دام، علوفه و خوراک طیور از خارج می آید. اخیراً پس از جنگ هم یک گرفتاری پیدا کرده ایم که بخاطر کمبود گازوئیل نیز صنعت مرغداری به خارج وابسته شده است... یعنی خیالمان از این بابت هم راحت نیست که اگر روزی نفت نبود مرغ ها را که قدقد می کنند سرشان را می بریم و می خوریم. کندم هم کودشیائیش از خارج وارد می شود. وابستگی تراکتور و موتورهای آب به قطعات و گاروبیل هم هست... برخی مرتب می گویند: " آقا خط تولید را عوض کنید و کارخانه را تعطیل نکنید... آخر مگر با رمل و اسطرلاب باید خط تولید را عوض کرد؟ برای تغییر خط تولید هم ارز لازم است." (اطلاعات ۱۰ دی ۶۵)

## این حوزه های بی در و بیگرا!

پس از جریان مهدی هاشمی و یارانش، روحانیت هراس خود را چنین نشان می دهد: احمدی، نماینده سقز و کلیائی می گوید: "بازنگری و تجدید نظر در حوزه های علمیه با توجه به حفظ محتوا و اصول در چند نهاد بسیار ضروری است و این را هر چه زودتر می بایستی شورای محترم مدیریت که منتخب امام و سایر مراجع عظام است، انجام دهد". احمدی وجود سیستم گزینش را برای حوزه ها لازم می داند و می گوید: "حوزه به این عظمت و قد است، خیلی راحت هر کس که بخواهد می آید و می رود. بقول مرحوم آیت اله العظمی بروجردی: روحانیت در بی دروازه است، هر که می خواهد می آید و نه حسابی است و نه محاسبه ای. از این رهگذر است که افراد فرصت طلب و قدرت طلب در حوزه ها نفوذ می کنند، مانفد مهدی هاشمی ها و یا افراد راه طلب که خیلی ساده آلت دست پولداران و دشمنان روحانیت و انقلاب اسلامی قرار می گیرند. گوینده "نظارت بر کار طلبه ها و ارزیابی آنها را ضروری" می داند و هشدار می دهد: یک طلبه نباید یله و رها شود، بلکه می بایستی همیشه تحت نظارت دقیق و ارزیابی قرار گیرد. اگر کسی بلافاصله بدون حساب و کتاب و دقت و کنترل لباس روحانیت را پوشید و سو استفاده کرد، چه تشکیلاتی و چگونه باید این مسائل را بررسی و پیگیری کند؟" (اطلاعات ۲۲ دی ۶۵).

## حل مشکلات روی کاغذ

نخست وزیر ج.ا. "ما وظیفه داریم واژه "محروم" را از اوصاف عشاری کشور حذف کنیم" (اطلاعات ۲۰ دی ۶۵).

## مسابقه تسلیحاتی: سد راه تکامل بشر

تصور یک جنگ هسته‌ای بی‌نهایت هولناک است، ولی نباید از این واقعیت غافل شد که خطر انباشت سلاح نیز کمتر از خطر جنگ هسته‌ای نیست. سلاح‌های اتمی و غیر اتمی - حتی بدون آنکه مورد استفاده قرار گیرند - کشورها را از هستی ساقط می‌کنند و خلق‌ها را به هلاکت می‌رسانند.

در این مورد می‌توان به سه جهت عمده که روی تکامل کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال رشد، تاثیر منفی بجای می‌گذارد اشاره کرد. نخست اینکه سیاست نظامی‌گری و انباشت جنگ افزار بخش عمده‌ای از نیروهای فعال جامعه را از حرکت باز می‌دارد. جوانان و درکنار آنها صدها هزار افسر و متخصصین نظامی بجای آنکه بکار مفید اجتماعی بپردازند در سربازخانه‌ها و پایگاه‌های نظامی "اسیر" می‌شوند و نیرو، دانشی و توانائی خود را بی‌بهره بهدر می‌دهند. این واقعیت پنهان نیست که هم اکنون بیش از ۲۰ درصد از دانشمندان جهان مجموع دستاوردهای خود را در مراکز نظامی بپایه می‌کنند. یعنی اینکه آنها بجای خدمت به تکامل و ترقی جامعه، انسانی، نبوغ خویش را در جهت مرگ و نیستی قرار داده‌اند. کار و فعالیت میلیونها جوانی که در سربازخانه‌ها بسر می‌برند و همچنین میلیونها متخصص نظامی، دانشمند، کاشف و مخترع می‌تواند به حل بسیاری از مسائل عمده جهان امروز، از جمله گرسنگی عمومی، کمک کند. یادآور می‌شود که کشورهای بزرگ سرمایه‌داری، به‌ویژه در سالهای اخیر، هر چه بیشتر از "مغزها"ی کشورهای در حال رشد برای کار در زرادخانه‌ها استفاده می‌کنند. کسانی که باید نبوغ خویش را بسود تکامل کشور خویش و برای ترقی و پیشرفت بکار برند، مجبورند به امری خدمت کنند که حاصلی جز مرگ، خرابی و عقب ماندگی ندارد.

### تانک بجای تراکتور

امپریالیسم جهانی نه تنها کشورهای در حال رشد را به انبهارهای بزرگ سلاح، به خریداران عمده و همیشگی فرآورده‌های نظامی خویش تبدیل کرده است، بلکه صنایع نظامی کم و بیش پیشرفته‌ای نیز در این کشورها بنیاد نهاده که بخش عمده‌ای از درآمد ملی آنها را می‌بلعد. آمارهای سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که در بیست سال اخیر میزان تولید سلاح‌های سبک و سنگین در کشورهای آفریقائی، آسیائی و آمریکائی بیش از ۶۰۰ بار افزایش یافته است. کشورهای مذکور هم اکنون یک ونیم درصد از مجموع تولید سلاح‌های سنگین و سبک را در دست دارند. در حالی که اکثریت این کشورها فاقد کارخانه‌های تراکتورسازی، کود شیمیائی، وسائل عادی ارتباط و مخابرات هستند، کشورهای امپریالیستی برای آنها مراکز تولید تانک، مسلسل، توپ، انواع سلاح‌های شیمیائی، وسائل مدرن جاسوسی و خرابکاری ایجاد کرده‌اند. فراموش نکنیم که بخش عمده‌ای از نزدیک به یک میلیارد و نیم انسانهایی که هم اکنون از کمبود غذا در رنج هستند در کشورهای در حال رشد بسر می‌برند. این کشورها در عین حال خریداران عمده فرآورده‌های

نظامی کشورهای غربی محسوب می‌شوند. بیش از هفتاد و پنج درصد از فروش جهانی سلاح به این کشورها صورت می‌گیرد. از هزار میلیارد دلار پولی که کشورهای مذکور به کشورهای بانک‌های امپریالیستی بدهکارند، بیش از ۸۰ درصد آن به صورت سلاح و مهمات به این کشورها داده شده است. پس دیده می‌شود که فروش سلاح و ایجاد صنایع نظامی در کشورهای در حال رشد بصورت دومین مانع عمده در راه تکامل آزاد کشورهای در حال رشد برده شده است.

### انقلاب علمی و فنی

آیا کسی هست که گسترش روزافزون و حیرت انگیز دانش و فن معاصر را نادیده بگیرد؟ خواست کشورهای در حال رشد برای استفاده برابر و عادلانه از دستاوردهای علمی و فنی جهان امروز خواستی کاملاً بحق است. آنها به عیان مشاهده می‌کنند که فاصله بین این کشورها و کشورهای رشد یافته صنعتی روزبه‌روز بیشتر می‌شود. عقب ماندگی آنان از دانش و صنعت فزون‌تر می‌گردد، دشواریهای اقتصادی - اجتماعی آنها عمیق‌تر و عمیق‌تر می‌شود. سیاست تسلیحاتی که امپریالیسم جهانی به کشورهای در حال رشد تحمیل کرده است، دامن زدن اختلاف و دو دستگی میان آنها بمنظور ضروری جلوه دادن این سیاست، ایجاد جنگ‌های منطقه‌ای برای آب کردن سلاح‌های مذکور، همه اینها امکان دستیابی به دستاوردهای علمی و فنی معاصر را دشوار می‌سازد. در اعلامیه مشترک میخائیل گارباچف و راجیو گاندی که اخیراً در دهلی امضاء و منتشر شد با صراحت گفته می‌شود: "منابعی که صرف تسلیحات می‌گردد باید در راه تکامل اقتصادی - اجتماعی مصرف گردد. تنها از طریق خلع سلاح است که می‌توان امکانه‌های لازم بمنظور مبارزه با عقب ماندگی اقتصادی، فقر و بیماری ایجاد کرد...". این تنها راهی است که باید در پیش گرفت.

### واقعیت‌ها :

\* صدور سلاح از ایالات متحده آمریکا در ده سال اخیر از ۴ میلیارد دلار به ۲۵ میلیارد دلار رسیده است. همچنان که اشاره شد، کشورهای در حال رشد عمده‌ترین بازار فروش سلاح‌های مذکور بشمار می‌آیند.

\* مخارج نظامی کشورهای جهان در حال حاضر به بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار رسیده است. در همین حال بدهکاری کشورهای در حال رشد به کشورها و بانک‌های امپریالیستی نیز به ۱۰۰۰ میلیارد دلار افزایش یافته است.

\* مخارج نظامی کشورهای آفریقائی (به استثنای آفریقای جنوبی) در بیست و پنج سال اخیر ۲۰ بار افزایش یافته است. در همین ایام تولید مواد غذایی در این قاره ۱۰ درصد کاهش یافته است.

\* بودجه‌ای را که ایالات متحده آمریکا برای به اصطلاح دفاع کامل از خود در نظر گرفته است که تا پانزده سال آینده مصرف کند، ۱۶ هزار میلیارد دلار پیش‌بینی شده است. فقط چند درصد این مبلغ کافی است تا خطر گرسنگی را از جهان سوم دور سازد.

## زندانیان سیاسی را ...

بمیرد کسی ضامن مرگ او نیست، هنوز از ترس افکار عمومی حاضر نشده درباره سرنوشت کسانی که چهار سال پیش آنانرا بزندان افکنده و از آن پس مفقودالامر شده‌اند، اطلاعی بدهد. از میان مفقود شدگان توده‌ای از جمله می‌توان از رفقا رحمان هانفی، عبدالحسین آگاهی، علی گللوویژ، گاکبک آوانسیان و دیگران نام برد. همچنین تنها کالبد چند تن از جان‌باختگان زیر شکنجه مانند زنده یادان حسن حسین پور تبریزی، علی شناسائی، حسن قزلبچی را به خانواده‌هایشان تحویل داده‌اند و از آنها بازو و تهدید قول گرفته‌اند که بدون سروصدا بخاکشان سپارند. خانواده بسیاری از جان‌باختگان از محل دفن عزیزان خود نیز خبر درستی ندارند.

سران جمهوری اسلامی که در نخستین روزهای حکومت خود دم از آزادی عقیده و بیان و قلم می‌زدند و وعده "لااكره في الدين" می‌دادند اکنون نه تنها هر گونه آزادی سیاسی و اجتماعی را پایمال کرده‌اند بلکه حاضر نیستند حتی یک زندانی سیاسی وفادار به آرمانهای خود را آزاد کنند. اینروزها بمناسبت فرارسیدن ۲۲ بهمن از نو اعلام شد که عفو زندانیان فقط شامل حال زندانیان مواد مخدر و جنائی می‌شود و زندانی سیاسی هنگامی آزاد خواهد شد که توبه کند، یعنی از عقاید خود دست بکشد. بسیاری زندانیانی که دوران محکومیت نظامانه خود را تحمل کرده‌اند ولی باز هم آنانرا رها نمی‌سازند؛ با باید وید شویر کنند و با خفت و خواری، دگراندیشی و طرفداری از کارگر و دهقان و مبارزه با خان و سرمایه‌دار بزرگ را محکوم کنند، بادر زندان بمانند و بیوسند.

در جمهوری اسلامی نه قانون بمعنی واقعی آن وجود دارد و نه دادگستری و دادگاه به معنوی که در جهان متمدن از آن می‌فهمند. ارگانه‌های سرکوبگر، مجهز به انواع وسایل شکنجه جسمی و روحی بجان آگاه‌ترین فرزندان خلق افتاده‌اند و خود را فعال مایه‌اش و مافوق تمام قواعد رسوم انسانی و اخلاقی تصور می‌کنند. بدین جهت است که ما اعتقاد داریم در مقابل همه ایرانیان میهن‌پرستی که توانسته‌اند از چنگال دژخیمان بگریزند و اینک دور از دسترس گزیمه‌های رژیم و "حکام شرع" بسر می‌برند وظیفه‌ای مهمتر از مبارزه همه جانبه برای نجات جان رزمندگان گرفتار شده وجود ندارد. باید تمام امکانات را در این راه بسیج کرد.

\* اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۷۲ پیشنهاد کرد که تمام کشورهای عضو سازمان ملل متحد ۱۰ درصد از مخارج نظامی خود را بکاهند و آن را برای تسریع تکامل کشورهای در حال رشد اختصاص دهند. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی هنوز با پیگیری از این پیشنهاد و طرح خلع سلاح عمومی بمنظور حفظ جهان از نیستی و تسریع تکامل آن، حمایت می‌کنند.

NAMEH  
MARDOM  
Nr. 143

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

24 February 1987

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است